

## **Reflecting the Symbol of Color in the Book Kush-Nameh by Iranshah Ibn-al-Khair**

**Zahra Shaghi**<sup>1</sup>

*MA Student in Sustainability Literature, Shahid University*

**Ahmad Forouzanfar**<sup>2\*</sup>

*Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahid University*

**Elham Malekian**<sup>3</sup>

*MA Student in Sustainability Literature, Shahid University*

(Received:04/04/2021 ; Accepted:09/09/2021)

### **Abstract**

*Symbols and symbolism play a significant role in creating images and conveying meanings. Color is one of the important components of imagination and the most prominent element in the realm of sensations. It forms an important part of the symbolic language of poets and literary writers. Iranshah Ibn Abi al-Khair is one of the epic poets who incorporated the element of color in the Kushnameh poem. The essay utilizes a descriptive-analytical method. The findings of the research indicate that the most frequent colors are black, yellow, white, green, red, purple, blue, azure, and violet. Black color symbolizes thickness, darkness, the beauty of the beloved. Yellow color represents death, weakness, incapacity, betrayal, power, jasmine. White color signifies brightness, purity, holiness, contrast fight, raising awareness, science, knowledge, growth of plants. Purple color symbolizes the flag, cover in war scenes. Blue is a symbol of purity, clarity, preparation for war. Azure symbolizes the sky, describes the sun, religion. Purple represents joy, happiness.*

**Keyword:** *Symbol, Color, Iranshah, Kush-Nameh.*

---

1 . ashqyzhra356@gmail.com

2 . \* Corresponding Author: forouzanfar@shahed.ac.ir.

3 . e.malekiyan@gmail.com

## بازتاب نماد رنگ در کتاب کوش نامه اثر ایرانشاه ابن الخیر

زهرا اسحاقی<sup>۱</sup>

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات پایداری، دانشگاه شاهد

احمد فروزانفر<sup>۲\*</sup>

دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شاهد

الهام ملکیان<sup>۳</sup>

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات پایداری، دانشگاه شاهد

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۸)

صفحات: ۱۷-۳۶

### چکیده

نماد و نمادگرایی نقش بسزایی در تصویرآفرینی و انتقال معانی ایفا می‌کند. رنگ، یکی از اجزای مهم صور خیال و برجسته‌ترین عنصر حوزه محسوسات و بخش مهمی از زبان نمادین شاعران و نویسندگان ادبیات را تشکیل می‌دهد. ایرانشاه ابن الخیر از شاعران حماسه‌پرداز است که از عنصر رنگ در منظومه کوش‌نامه بهره برده است. در این جستار از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که پرسامدترین رنگ‌ها به ترتیب سیاه، زرد، سفید، سبز، سرخ، بنفش، آبی، لاجوردی، ارغوانی، کبود است. رنگ سیاه به‌عنوان نماد ضخامت، سیه‌روزی، زیبایی معشوق و رنگ زرد با نماد و مرگ، ضعف و ناتوانی، خیانت، قدرت، یأس و رنگ سفید با نماد روشنایی و پاکی و قداست، تقابل سیاه و سپید و رنگ سبز با نماد سلامتی، امید، مقاومت و رنگ سرخ با نماد شور و هیجان برای انتقام‌گیری، محرک انتقام‌گیری، معنای عادی، خون، آمادگی برای رزم و پیکار، آگاهی بخشی، علم و معرفت، رویش گیاهان و رنگ بنفش نماد پرچم و درفش در صحنه‌های جنگ و رنگ آبی نماد پاکی و زلالی و رنگ لاجورد نماد آسمان، توصیف خورشید، آیین و رنگ کبود نماد آمادگی برای جنگ و رنگ ارغوانی نماد مسرت و شادمانی است.

**کلمات کلیدی:** نماد، رنگ، ایرانشاه، کوش‌نامه.

۱. ashqyzhra356@gmail.com

۲. \* نویسنده مسئول: forouzanfar@shahed.ac.ir

۳. e.7.malekian@gmail.com

## ۱- مقدمه

یکی از نکات مهم برای پی بردن به نوع جهان بینی و اندیشه شاعران شناخت و تحلیل کلمات و اشعار آنهاست از آنجاکه رنگ‌ها رابطه‌ای مستقیم با روحیات شاعر دارد، بنابراین با موردی بررسی کردن آنها می‌توان به شخصیت شاعر، اوضاع اجتماعی تأثیرگذار بر او نیز پی برد. استفاده از نماد و سمبل علاوه بر زیبایی ادبی، بر درک و فهم بهتر اشعار می‌افزاید. هر یک از پدیده‌های آفرینش هم دارای نماد و سمبل هستند که هر یک معانی را به ذهن مخاطب القا می‌کند. رنگ در هر یک از شگفتی‌های خلقت نمایان است. عنصر رنگ در ادبیات از دیرباز مورد توجه بوده است و زمان پیدایش آن به زمان خلقت انسان بازمی‌گردد. نماد و نمادگرایی در آثار حماسی، عرفانی، غنایی دیده می‌شود و پدیده‌های گوناگون در طبیعت هر یک در رنگی زیبا و متناسب با موقعیت مکانی صورت می‌پذیرد. در این پژوهش در پی آنیم تا به این سؤال پاسخ دهیم که بازتاب نماد رنگ در منظومه کوش‌نامه با چه مفاهیمی کاربرد دارد؟

## ۲. پیشینه تحقیق

قاسم‌زاده، نیکوبخت (۱۳۸۲)، در مقاله‌ای با عنوان «روان‌شناسی رنگ در اشعار سهراب سپهری» به بسامد واژگان رنگ‌ها در اشعار سهراب سپهری پرداخته‌اند؛ نتایج نشان می‌دهد که بررسی رنگ‌ها در «هشت کتاب» سهراب بررسی شده است و از طریق بسامد واژگان رنگ می‌توان به پاره‌ای از روحیات، ویژگی‌های اخلاقی سهراب پی برد. رنگ‌های اولیه در اشعار او نشانه اعتراض به سرنوشت خویش است و رنگ‌های اصلی و روشن نشانه شخصیت پویا، تأثیرگذار و بهنجار او است.

نیکوبخت، قاسم‌زاده (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای با عنوان «زمینه‌های نمادین رنگ در شعر معاصر با تکیه بر اشعار نیما، سپهری و موسوی گرمارودی» به بررسی و تحلیل زمینه‌های نمادین رنگ در اشعار معاصر با تأکید بر آثار سه شاعر برجسته معاصر نیما، سپهری، موسوی گرمارودی است و زمینه رنگ در اشعار نیما یوشیج در رنگ‌های سیاه، سفید، سرخ و سبز، زرد و در اشعار سهراب سپهری در رنگ‌های آبی، سبز، سپید، سیاه، سرخ و در اشعار موسوی گرمارودی سرخ، سبز، سیاه، سپیدی، زرد، آبی، ارغوانی پرداخته شده است و نتایج نشان می‌دهد که رنگ سبز و آبی در اشعار سهراب سپهری به‌مثابه نگرش عاشقانه و خوش‌باورانه او است. کاربرد رنگ سرخ در اشعار موسوی گرمارودی نشان از جهان بینی مذهبی و آرمان‌گرایانه او است.

حسنلی، احمدیان (۱۳۸۷)، در مقاله‌ای با عنوان «بازنمود رنگ‌های سرخ، زرد، سبز و بنفش در شاهنامه فردوسی» به بررسی و تحلیل چهار رنگ سرخ، زرد، سبز، بنفش پرداخته‌اند. در شاهنامه فردوسی ۴۱۹۷ بار عنصر رنگ مورد توجه قرار گرفته است که ۳۳/۷۳ درصد از آن مربوط به رنگ سیاه و سفید است و رنگ سرخ پس از سیاه و سفید ۴۶۸ بار و نماد مرگ و زندگی است و سپس رنگ زرد ۳۱۳ بار و نماد پادشاهان اساطیری، تاج و تخت، درخشان و نورانی بودن، لباس عروسان، کفن مردگان است و رنگ سبز ۶۴ بار تکرار و برای توصیف چمن، طبیعت به کار گرفته شده است. رنگ بنفش هم با واژه درفش و در نبرد جنگ‌ها کاربرد داشته است.

موسوی و همکاران (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل روان‌شناختی رنگ سرخ و سیاه در اشعار صائب» به بررسی کاربرد رنگ سرخ و سیاه در اشعار صائب پرداخته‌اند و نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رنگ سرخ نمایانگر شور و شوق، انگیزه‌های بی‌پایان برای رسیدن به تمام آرزوهایی است که به گونه‌های مختلف از او سلب شده است و برای شاعر، یادآور

وطن و به صورت عام ایران و به صورت خاص اصفهان است. رنگ سیاه هم نماد تیرگی و نفی همه چیز است و نماد هند و سرزمین‌های تابع آن است و اصفهان و هند در ذهن شاعر مترادف و جایگزین دو رنگ سرخ و سیاه شده است.

روحانی، عنایتی قادیکلایی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان «نگاه تحلیلی به کارکرد رنگ در شعر م. سرشک» به بررسی طبقه‌بندی عنصر رنگ در اشعار محمدرضا شفیعی کدکنی پرداخته‌اند و نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رنگ‌ها در پنج گروه روشن، تیره، سرخ، سبز، آبی دسته‌بندی شده‌اند. رنگ‌های روشن تقریباً سه برابر رنگ‌های تیره است و نشان از امید به آینده در اشعار شفیعی کدکنی است. رنگ سرخ بالاترین بسامد را داراست و نماد خون، لاله، شهید، قیام و جنبش است که مفاهیم شعر چریکی را القا می‌کند. رنگ سبز هم نماد عرفان ایرانی، توصیف طبیعت، تحرک و شادابی است.

سیفی، مرادی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی بسامد کاربرد رنگ در اشعار نیما یوشیج و بدر شاکرالسیاب» به بررسی بسامد کاربرد رنگ و جایگاه آن در تصاویر شعری دو شاعر بدر شاکرالسیاب و نیما یوشیج پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که رنگ سیاه در اشعار دو شاعر بالاترین بسامد را دارا است و عوامل مختلف فقر، تنگدستی و مشکلات اقتصادی موجب استفاده از این رنگ در اشعار آنان گردیده است و از سویی نماد اندوه، فقر، مرگ است. رنگ سفید نماد پاکی، امید، آرزو و رنگ زرد نماد امید، تداعی گر نور خورشید و گاهی نماد ضعف ناشی از بیماری و فقر است و رنگ قرمز و سبز در اشعار سیاب بیشتر از نیما است و این نشان از خلاقیت و ابتکار سیاب در آفرینش تصاویر زنده و بدیع و پویا است.

بیرانوند و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای تحت عنوان «نماد رنگ و حس آمیزی آن در تصویرسازی اخوان ثالث» به بررسی نماد رنگ زرد، طلایی، سرخ و سیاه در ارتباط با آرایه حس آمیزی در اشعار اخوان ثالث پرداخته‌اند؛ نتایج نشان می‌دهد که حس آمیزی‌ها در شعر اخوان به دو صورت عینی و انتزاعی تقسیم‌بندی شده است و حس آمیزی‌های او در چارچوب مجاز است و همچنین نگرش به شعر کهن در استفاده از رنگ‌ها یافت می‌شود.

یانس، پاشایی فخری (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «روان‌شناسی نماد رنگ در دیوان حافظ» به بررسی مفاهیم رنگ‌های زرد، سبز، قرمز، سیاه، فیروزه‌ای و کاربرد نمادین آن در چرخه صور خیال دیوان حافظ پرداخته‌اند و نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رنگ سرخ و سیاه پرکاربردترین رنگ در اشعار حافظ است. سپس رنگ سبز و فیروزه‌ای بیشترین بسامد را دارا است و هر یک از رنگ‌ها نشان از تأثیرات مذهبی، سیاسی، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی حافظ است.

### ۳. مبانی نظری

#### ۳-۱. نماد

نماد یکی از آرایه‌های ادبی است. ویژگی بارز نماد، ابهام و عدم صراحت و غیرمستقیم بودن آن است؛ به این معنا که در زبان سمبلیک، مراد و مقصود، ظاهر و صورت کلام نیست؛ بلکه مفهومی ورای ظاهر، فراتر و عمیق‌تر از آن است. از سوی دیگر یکی از خصوصیات منحصربه‌فرد شعر جدید که آن را از شعر قدیم متمایز می‌سازد، استفاده از رمز و اسطوره است (ممتحن و حاجی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۵۵).

### ۲-۳. رنگ در جایگاه نماد

رنگ در هنر نقش اساسی دارد، اما تأثیر شنیداری آن در روان، از تأثیر دیداری آن فراتر است (لوشر، ۱۳۸۴: ۱۹). رنگ‌های به کار رفته در شعر و داستان، بازتابی از انگیزه‌های درونی صاحب اثر و معمولاً متأثر از درون و فضای ذهنی و روانی اوست. به کارگیری رنگ و استفاده از آن در ادبیات کمک شایانی به نویسنده در جهت نمایان ساختن مکونات ذهنی و دغدغه‌های روحی‌اش می‌نماید و گاهی به راحتی و با کوتاه‌ترین بیان مفاهیمی عمیق و نمادین را برای خواننده روشن می‌کند.

برای بررسی رنگ‌ها لازم است ابتدا آن‌ها را دسته‌بندی کرد. لوشر دو رنگ سیاه و سفید را بی‌فام نامیده است. این دو رنگ همواره منشأ فعالیت بشر یا ترک فعالیت او بوده است؛ زیرا با فرارسیدن روز، زندگی را آغاز کرده و با رسیدن شب آن را ترک می‌کند و این دو از دست بشر بیرون است (لوشر، ۱۳۸۴: ۲۰).

رنگ، برجسته‌ترین و مؤثرترین عامل در خلق تصاویر حسی و توصیفات تجسمی - بصری است که نقش بارزی در آفرینش صور خیال و روایات توصیفی ایفا می‌کند؛ علاوه بر این، نوعی نماد است که با توجه به موقعیت فرهنگی، معناهای متفاوتی داشته و در تمام سطوح موجودیت و شناخت، از جمله کیهان‌شناسی، روان‌شناسی علم باطن و غیره تفاسیر مختلفی دارد (شوالیه و گربران، ۱۳۸۸: ۳۴۴).

### ۳-۳. رنگ در روان‌شناسی

در روان‌شناسی، هر رنگی کارکرد فیزیولوژیکی خاصی در درون فرد داشته و بر ذهنیت او تأثیر متفاوت می‌گذارد؛ به عنوان نمونه، قرمز رنگی است شاد و پرنیرو، فعال و گرم و تحریک‌کننده که میل به حرکت و کار و فعالیت را در انسان به وجود آورده و خود را به چشم ناظر تحمیل می‌کند و هم حالت جدی بودن و وقار و هم حالت مهربانی و جذابیت را القا می‌کند. این رنگ به سبب میل به فعالیتی که در انسان به وجود می‌آورد، ضربان قلب را تند می‌کند و فشار خون و شدت تعرق را افزایش می‌دهد. قرمز اصلی، رنگی سرشار از زندگی، با حرارت و منقلب است و اشتها را تحریک می‌کند، رنگ عشق و خانواده و پیکار و شهادت است (افشار مهاجر، ۱۳۹۰: ۳۷۶). رنگ سبز آرامش‌بخش است؛ ولی آرامشی که ایجاد می‌کند؛ مانند آبی درونی و خواب‌آور نیست؛ بلکه آرامشی است که از ایجاد صلح و صفا و امنیت و تعادل ایجاد می‌شود. این رنگ، امید و زندگی را تداعی می‌کند (همان: ۳۷۸). آنچه از روایات و احادیث متعدد اسلامی درباره رنگ برمی‌آید، نشان می‌دهد در این روایات، غلبه کامل با رنگ‌های سبز، زرد، سرخ، سفید (چهار رنگ مطرح در قرآن) و کبود است و به جرئت می‌توان گفت هیچ رنگی در روایات از نظر کثرت کاربرد چون رنگ‌های فوق‌الذکر نیست (بلخاری قهی، ۱۳۹۴: ۱۳۷). عرفان اسلامی نیز، رنگ را در تبیین و تمییز منازل سلوک به خدمت گرفت و به آن صورتی کاملاً معنوی و عرفانی بخشید (همان: ۱۳۵). طبق مطالعه باستان‌شناسان و محققان تاریخ هنر، انسان از ابتدا با رنگ‌ها آشنا است و از آن‌ها برای نشان دادن جنبه جادویی و اعتقادی مراسم و تشدید آن استفاده کرده است (توحیدی، ۱۳۸۷: ۲۳).

رنگ و دلالت‌های گوناگون و بازشناسی اوصاف آن را باید در باورهای دیرینه‌ی مردمان گوناگون جویا شد؛ گرچه گاهی برداشت‌های یکسانی از یک رنگ خاص در میان ملت‌های مختلف دیده شده است که این موضوع به ویژگی‌های بارز و برجسته آن رنگ در نهاد انسان بازمی‌گردد. عنصر رنگ، یکی از عناصر کلیدی است که از راه آن می‌توان به بسیاری از سلیقه‌ها، باورها، امید و آرزوها و اهداف انسان‌ها پی برد. از نگاه روان‌شناسی، گزینش رنگی خاص از سوی یک شخص،

بیانگر جنبه‌ای از شخصیت او است. رنگ به دلایلی از جمله اینکه ایجاد شادابی و آسایش و احساس آسودگی در انسان می‌کند و نیز اینکه نمادی است برای غم و شادی‌هایمان، جایگاه والایی در زندگی ما اشغال کرده است (عبداللله محمد حمدان، ۲۰۰۸: ۹).

### ۳-۴. «رنگ» و مفاهیم نمادین آن

در طول قرن‌ها، رنگ برای اشخاص گوناگون معانی مختلفی داشته است. مثلاً رنگ برای «سنت آگوستن»، کیفیتی افلاطونی خدا بود و برای «نیوتن»، انرژی نوری، برای «گوته»، یک ادراک ذهنی و برای «جان لاک»، کیفیتی از اشیایی که می‌بینیم (کارکیا، ۱۳۷۵: ۱۵). لذا از آنجا که نماد بیانگر معنای مختلف است و به یک معنا محصور نمی‌شود، «رنگ» مهم‌ترین عنصر برای نمادپردازی است. نماد «رنگ»، مکمل تجربه‌های انسان و بازتابی از نحوه تفکر مردم روزگاران و پل ارتباطی میان بخش‌های هشیار و ناهشیار جهان ناشناخته، شناخته شده است؛ مثلاً در اساطیر خدایان را با رنگ‌های درخشان توصیف می‌کردند و یا هندوان رنگ بودا را زرد و طلایی می‌دانستند (همان: ۱۹). زمینه نمادین رنگ، به محیط جغرافیایی، فرهنگی، حالات و خصایص روحی هر انسان بستگی دارد. لذا ممکن است هر رنگی در محیط خاص، یادآور موضوعی باشد و هر قومی به مناسبت اوضاع اقلیمی خود، رنگی را دوست بدارد و از رنگی نفرت داشته باشد. مثلاً اعراب جاهلی، رنگ سبز را که یادآور مراتع و چراگاه‌های خوب است. بیش از هر رنگ دیگری دوست می‌داشتند و در عوض از رنگ قرمز متنفر بودند. آنان سال قرمز (السنه حمراء) را به معنی خشک‌سالی، مرگ سرخ (میت‌الحمراء) را بدترین نوع مرگ و باد سرخ (ریح حمراء) را نیز بدترین بادهای می‌دانستند (شفیعی کدکنی، ۲۷۰: ۱۳۷۸).

اینکه مسلمانان به رنگ سبز علاقه دارند و رنگ قرمز را رنگ شیطان می‌دانند، ریشه در عقاید دینی آن‌ها دارد؛ درحالی‌که رنگ قرمز در ژاپن خوشبختی و سعادت و صداقت است، خاصه زنان ژاپن لباس قرمز می‌پوشند و در جشن میلاد کهن، به نشانه آرزوی خوشبختی، برنج را قرمز رنگ می‌کنند. سیاه و سفید اولین رنگ‌هایی هستند که به نماد بدل شده‌اند؛ زیرا انسان اولیه، بیشترین تأثیر را از سفیدی روز و سیاهی شب اخذ کرده بود. از آنجا که بین انسان و پیرامونش زبانی مشترک وجود نداشت تا ادراک طرفین را فزونی بخشد، اندک‌اندک آدمی دریافت که در رنگ‌های موجود طبیعت همانند علامت رمز، هر یک رازی نهفته است؛ لذا در پی کشف آن برآمد (نیکویخت و قاسم‌زاده، ۲۱۵: ۱۳۸۴). زمینه روحی نمادپردازی نیز به دلیل حرکت خیزشی و جوششی آن که ریشه در احساسات و عواطف و تأملات درونی دارد. در اشخاص مختلف، متفاوت است؛ مثلاً یکی رنگ زرد را نماد نفرت و دیگری نماد مهرورزی و شخصی نشانه مرگ و بیماری و برخی آن را نماد خیانت یا ده‌ها چیز دیگر می‌دانند، بنابراین نمادها برای همه افراد یکسان جلوه نمی‌کند (همان).

### ۴. معرفی کوش‌نامه

کوش‌نامه در زمره حماسه‌های ملی، اساطیری و پهلوانی است که حکیم ایرانشاه‌ابن‌الخیر در قرن ششم هجری قمری آن را به نظم درآورده است. این کتاب داستان کوش، برادرزاده ضحاک است که سال‌های طولانی در چین، مغرب و آفریقا با قدرت و ستمگری فرمانروایی کرده است و منظومه‌ای است شامل ۱۰۱۲۹ بیت که در بحر متقارب سروده شده و در دو بخش تنظیم شده است. موضوع آن داستان زندگانی پرماجرا و پرفرازونشیب کوش است که به روایتی یک هزاروپانصد سال زیست. مقدمه این اثر به دو بخش کمابیش جداگانه تقسیم می‌شود. از بیت ۲۲۷ تا ۹۱۷، داستان شخصی به نام کوش

آمده که با قهرمان اصلی منظومه متفاوت است و تنها در نام و چهره زشت با او اشتراک دارد. در پایان این بخش، از اسکندر و رسیدن او به مجسمه کوش در خاورزمین سخن می‌رود. اسکندر برای آگاهی از کوش، با مردی از نژاد جمشید به نام مهانش دیدار می‌کند و پس از شنیدن داستان جمشید و ضحاک، سرگذشت مکتوب کوش را از او می‌گیرد. سپس با مقدمه‌ای کوتاه و مستقل، روایت اصلی کوش‌نامه آغاز می‌گردد که گزارش زاده شدن کوش و پرورش او نزد آبتین، پدر فریدون و جنگ و صلح و چاره‌گری‌های او با ایرانیان و اقوام دیگر و بی‌رسمی‌ها و ستم‌های اوست. این داستان سرانجام با هدایت کوش به دست پیری فرزانه و رها کردن خوی ددمنشانه به پایان می‌رسد (ابن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۱۰-۲۷).

#### ۴-۱. رنگ‌ها

##### ۴-۱-۱. سیاه

«رنگ سیاه در ذهن و روان، حالت کدورت، ضخامت و سنگینی را متبادر می‌کند. از این رو باری سیاه رنگ، سنگین‌تر از باری به رنگ سفید می‌نماید. با این حال تصویر تیره برای نشان دادن سیاه و سیاهی، موجب نمی‌شود که وجوه مثبت سیاه دیده نشود. سیاه به‌عنوان تصویر مرگ، خاک، گور، طی‌الارض، شبانه‌عرفا، با میثاق زندگی‌های متوالی بستگی دارد؛ همان‌طور که شب میثاق سحر است و زمستان میثاق بهار» (شوالیه و گریبان، ۱۳۸۸: ۶۹۴).

#### ضخامت و سنگینی

یکی ازدها همچو کوهی سیاه      بترسید از او شهریار و سپاه  
(ایران‌شاه، ۱۳۷۷: ۸)

از آنجاکه سیاه نمادی از ضخامت و سنگینی است و با دیدن این رنگ هراسی را به دل آدمی در ذهن متبادر می‌کند. در این بیت نیز شاعر با استفاده از آرایه تشبیه هراس‌انگیز بودن ازدها و ترسی را که در دل پادشاه و سپاهیان انداخته به رخ کشیده و ازدها را در بزرگی هیبت و هول‌انگیز بودنش به کوهی سیاه تشبیه نموده است.

#### سیره‌روزی

چو در پیش شه آبتین شد ز راه      به رخساره بیسود خاک سیاه  
(همان: ۷۱)

در فرهنگ عامه خاک سیاه عبارت کنایه از بدبختی و تیره‌روزی انسان است. در این بیت نیز شاعر برای نشان دادن نهایت تیره‌روزی از این عبارت کنایه استفاده کرده است.

#### زیبایی معشوق

در اشعار فارسی از رنگ سیاه بیشتر برای توصیف زیبایی خط و خال و زلف و مژگان سیاه معشوق استفاده شده است و گاه

این رنگ به عنصری نمادین تبدیل شده است؛ مانند خال سیاه که نمادی از نقطه وحدت است و گاه به عنوان نشانه زیبایی هم استفاده می‌شود. به نمود این مفهوم در بیت زیر توجه کنید.

میان دو ابرو نشان سیاه      نهدار شاها، نشانش نگاه  
(همان: ۱۳۹)

#### ۴-۱-۲. زرد

«زرد رنگی شدید، سخت، تیز تا به حدی زنده‌گی، خارج از اعتدال و چون توده‌ای مذاب کورکننده است. زرد گرم‌ترین، پراکنده‌ترین و سوزان‌ترین است و به سختی می‌توان آن را خاموش کرد. زرد همواره از چارچوبی که حاوی آن است، تجاوز می‌کند؛ همان‌گونه که اشعه خورشید از لاجورد آسمان می‌گذرد و قدرت خداوندی را در عالم دیگر نشان می‌دهد. زرد نور طلا، مظهر قدرت و جفت زرنشان طلا - لاجورد است که در مقابل جفت سرخ - سبز قرار می‌گیرد. ارزش‌گذاری منفی زرد، در سنت نمایشی پکن نیز گواهی شده که در آن بازیگران خود را به رنگ زرد می‌آراستند تا دلالت بر سنگدلی، پنهان‌کاری و دریدگی باشد؛ درحالی‌که سرخ دال بر وفاداری و شرافت بود. در اسلام نیز زرد طلایی نشانه خرد و اندرزهای نیکو است و زرد مات نشانه خیانت و اغفال» (شوالیه و گریبان، ۱۳۸۱: ۴۵۳-۴۴۸).

#### رنگ «زرد» در عرفان

صوفیه نور زرد را مرز غلبگی نور روح و آن را دنباله نور سرخ می‌دانند (رازی، ۳۰۶: ۱۳۸۳). مولانا زردی صورت را برای عاشق بهترین رنگ می‌داند:

الله‌الله گرد دریا بار گردد      گرچه باشد اهل دریا بار زرد  
تا که آید لطف بخشایش‌گری      سرخ گردد روی زرد از گوهری  
زردی رو، بهترین رنگ‌هاست      زان که اندر انتظار آن لقاست  
(همان: مثنوی، ۳۶۲۹: ۵-۳۶۳۱)

رنگ «زرد»، رنگ ابدیت و جاودانگی است. این رنگ در کشورهای مختلف مفاهیم خاصی دارد. در چین و تمدن مسیحی غرب و تا حدودی در کشور ایران، رنگ زرد، رنگ تقدس است و به همین دلیل، هنگام کشیدن تصاویر بزرگان دین، معمولاً هاله‌ای از این رنگ دور سر آنها را در برمی‌گیرد. با این حال، در فرهنگ عامه و ادب فارسی و به‌طور کلی در فرهنگ جهانی، رنگ رشک، خیانت، یأس، بلا و ناامیدی است (توکلی، ۱۳۷۸: ۷۴-۷۵). «گویند علت اصلی مفهوم منفی رنگ زرد در ایران - که نشانگر یأس و ناامیدی و بیماری است - بیماری‌ای به نام یرقان بود که به زردی شهرت داشت و موجب مرگ و میر فراوان می‌شود» (علی اکبرزاده، ۱۳۷۸: ۷۰).



### بیماری و مرگ

فگندند در شهر خود را به درد لب از بیم خشک و رخ از رنج زرد  
(ایرانشاه، ۱۳۷۷: ۲۰۳)

در این بیت زرد را می‌توان نمادی از بیماری و مرگ و نیستی دانست؛ چراکه در بین ایرانیان زرد نمادی از بیماری به نام یرقان است که به زردی شهرت دارد. در این بیت نیز رخ زرد کنایه‌ای از رنجور بودن و بیماری است.

### ضعف و ناتوانی

ز زردی و خشکی چو نالی شده ز پیری دو تا همچو دالی شده  
(همان: ۱۴۹)

در این بیت رنگ زرد نمادی از ضعف و ناتوانی است. شاعر در این بیت با استفاده از رنگ چهره ضعیف و ناتوانی پیرمردی را به زیبایی به تصویر کشیده است.

### خیانت

بدانست چون روی وی دید زرد که جاسوس ایران سپاه است مرد  
(همان: ۲۳۹)

در این بیت زرد را می‌توان نمادی از خیانت دانست. در فرهنگ عامه چهره زرد را کنایه‌ای از شرمساری و یا ترس می‌دانند؛ بنابراین در این بیت فرد جاسوس و خیانتکار با رخسار زرد و برآشفته‌اش حقیقت خود را نمایان کرده است. این بیت به تصویر چهره ضعیف و ناتوانی پیرمردی پرداخته است.

### قدرت

همه پیکرش ز بر لاجورد همه تخت‌ها لعل و یاقوت زرد  
(ایرانشاه، ۱۳۷۷: ۹۰)

زرد به رنگ طلاست و مظهر قدرت است. در گذشته برای آراستن مجالس از آن جهت که درخور پادشاهان باشد، تخت‌ها را به سنگ‌های قیمتی مزین می‌کردند. در این بیت نیز شاعر با استفاده از ترکیب یاقوت زرد در حقیقت قدرت و عظمت مجالس درباریان را به نمایش گذاشته است.

### یاس و ناامیدی

چه کوش سرافراز را دید مرد شگفت آمدش کرد رخساره زرد  
(همان، ۲۸۷)

زرد گاه نمادی از شرم و یاس و ناامیدی است. در این بیت نیز ما شاهد آنیم که فرستاده هنگامی که با کوش سرافراز روبرو می‌شود، از اوهام و افکاری که درباره کوش در سر می‌پرورانده، بسیار خجل و شرمسار می‌گردد و بر تاج و تخت کوش آفرین می‌فرستد.

## توصیف آفتاب

چو شد زرد رنگ رخ آفتاب      زمین را ز خون خوردن آمد شتاب  
(همان: ۲۳۹)

یکی از راه‌های آراستن سخن استفاده از زیبایی‌های هنری است. در این بیت شاعر تصویر زیبایی از غروب آفتاب و افول خورشید را به نمایش گذاشته است و با تشبیه رخ معشوق را به چهره خورشید که روشن و نورانی است به تصویر کشیده است.

## ۴-۱-۳. سفید

«سفید» در تحلیل رنگ «سفید» که اغلب با بی‌رنگی مرادف است، معصومیت غیرقابل لمس و تزکیه را می‌توان دریافت. رنگ سفید نماد صلح و آزادی است. به همین جهت رنگ پرچم صلح، سفید است. البته سفید در برخی کشورها چون چین، لباس عزا و ماتم است و در قلمرو غزنویان و عباسیان، همین معنا را داشته است (بیهقی، ۱۳۷۶: ۱۳). بنابراین سفید در مفهوم مثبت خود، نماد روشنایی، قداست و معصومیت و در مفهوم منفی خود، نماد مرگ و وحشت و عناصر فوق طبیعی است (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۷: ۲۲). البته گاهی سفید در نشانه مرگ و عزا نیز مفهوم مثبتی ایفا می‌کند؛ چنانکه پوشیدن کفن سفید برای مردگان نماد آرزوی سعادت‌مندی و عاقبت‌به‌خیری در جهان برین است.

در دین اسلام نیز پوشیدن لباس سفید بسیار تأکید شده است؛ چنان‌که از پیغمبر اسلام (ص) روایت شده است که: لَبَسُوا مِنْ ثِيَابِكُمُ الْبَيْضِ فَإِنَّهَا خَيْرٌ ثِيَابِكُمْ وَ كَفَنُوا فِيهَا مَوْتَانِكُمْ؛ رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌سلم فرمودند: جامه‌های سفید پوشید که آن‌ها از بهترین جامه‌های شماست. مُردگان خود را نیز در پارچه سفید، کفن کنید (پاک‌نژاد، ۱۳۶۱: ۷۳).

## روشنایی

یکی از پاک‌ترین و ارزشمندترین سوگندهایی که در گذشته بیشتر مورد استفاده عامه مردم قرار می‌گرفته، سوگند به سپیدی روز است. منشأ این سوگند به روشنایی و قداست سپیدی روز بازمی‌گردد.

بدین بار سوگند خوردم به درد      به روز سپید و شب لاجورد  
(ایرانشاه، ۱۳۷۷: ۲۳۴)

## پاکی و قداست

بسی کشته آمد ز هر دو سپاه      بر آمیخت بر هم سفید و سیاه  
(همان: ۲۸۷)

سپید نمادی از معصومیت، پاکی و قداست است و شاعران هرگاه خواسته‌اند بی‌گناهی و پاکی پدیده‌ای را به نمایش گذارند از این رنگ بهره گرفته‌اند. در این بیت شاعر برای نشان دادن تقابل خیر و شر و یا پلیدی و پاکی از رنگ سفید و سیاه استفاده کرده است.

۴-۱-۴. سبز

«سبز وسط آبی و زرد واقع است و نتیجه تداخل امواج رنگی آن‌هاست؛ اما سبز و سرخ هستند که با هم وارد بازی نمادین متناوبی می‌شوند. گل سرخ در وسط برگ‌های سبز گل می‌دهد. با فاصله‌ای مساوی از آبی آسمان و از سرخ دوزخ که هر دو مطلق و دست نیافتنی‌اند، سبز ارزش میانگین و واسط میان گرم و سرد، بالا و پایین را دارد. اطمینان‌بخش، تازه‌کننده و انسانی است. پس از زمستان که با برهنه ساختن و منجمد کردن زمین، آدمی را مغلوب تنهایی و ناپایداری‌اش می‌کند، بهار فرا می‌رسد که رویوش سبز و تازه‌ای بر تن زمین می‌پوشاند و امید می‌آورد و دوباره دایه آدمی می‌شود. سبز نیمه‌گرم است. سبز رنگ سلطنت گیاه است و سبزی آن از آب‌های جان‌بخش به دست می‌آید. سبز، بیداری آب‌های اولیه و بیداری زندگی است» (شوالیه و گریبان، ۱۳۸۸: ۵۱۷).

«سبز رنگ آب است، همان‌گونه که سرخ رنگ آتش است. سبز رنگ امید، نیرو و عمر طولانی است. سبز رنگ جاودانگی است، از اینجاست که در سراسر جهان شاخه‌های سبز نماد جاودانگی هستند. سبز، دربرگیرنده آرامبخش، تازه‌کننده، آهنگین، در بناهای مذهبی که نیاکانمان، در صحرا و بیابان برمی‌افراشتند، تقدیس می‌شد. پرچم اسلام سبز است و سبز برای مسلمانان نشانه سلام و سلامت و نماد تمام ثروت‌ها اعم از مادی و معنوی است. ثروت مادی خانواده است: عبای رسول‌الله سبز بود. برای کیمیاگران، سبز نور زمرد است و در عمیق‌ترین رازها رخنه می‌کند. از همین جا می‌توان دو وجه دیگر مفهوم نور سبز را فهمید: اگر نور سبز در همه‌جا می‌تابد پس هم حامل مرگ است و هم حامل زندگی و از اینجاست که ارزش‌گذاری نماد واژگون می‌شود، سبز جوانه‌های بهاری، در تضاد با سبز کپک و پوسیدگی است. سبز مرگ همراه با سبز زندگی است. رنگ سبز بیمار در مقابل رنگ سیب قرمز است. در زبان‌های مختلف سبز در عبارات و اصطلاحات مختلف به کار می‌رود و گاه مفهومی منفی پیدا می‌کند؛ مثلاً سبز خندیدن به معنی عصبانیت است و یا سبز شدن از ترس و سبز شدن از سرما از همین قبیل‌اند» (همان: ۵۱۸-۵۲۶).

در روان‌شناسی برای این رنگ (رنگ سبز) اهمیت ویژه‌ای قائل شده‌اند. «سبز مایل به آبی نمایان‌گر عزم راسخ، پایداری و مهم‌تر از همه مقاومت در برابر تغییرات می‌باشد» (لوشر ایی زاده، ۱۳۶۹: ۸۳). به عقیده مصریان، سبز، اصل خلقت است. نزد چینی‌ها بهار و نیکوکاری را تداعی می‌کند، برای مسیحیان نمایانگر امید است و افتخار و نزد ایرانیان نیز نشانه خیر است و امیدواری. رنگ سبز ترجیح اول ایرانیان است (پورعلی‌خان، ۱۳۸۰: ۱۳۵).

سلامتی و تندرستی

سرش سبز بادا و گردونش گاه  
بلند اختر افسر، ستاره سپاه  
(ایران‌شاه، ۱۳۷۷: ۱۰۷)

در این بیت سبز را می‌توان نمادی از سلامتی و طول عمر دانست. سرش سبز بادا کنایه‌ای است که شاعر با به کارگیری نماد سبز برای ممدوح خود آرزوی سلامتی و تندرستی کرده است.

#### امید

چو در دست تو سبز شد چوب سخت      جوان گشت خواهد ز فر تو بخت  
(همان: ۱۴۵)

در این بیت سبز را می‌توان نمادی از امید دانست؛ چرا که شاعر اذعان می‌کند که چوب سخت و خشک در دست ممدوحش دوباره سبز می‌شود، می‌روید. پس در سایه شکوه او نیز همه چیز سروسامان می‌گیرد.

#### مقاومت

یک اسپرغمش سبز باید بلند      زمستان نیابد ز سرما گزند  
(همان: ۱۳۹)

در این بیت سبز نمادی از مقاومت است؛ زیرا مفهوم کلی بیت متضمن این نکته است که همان‌طور که سوز و سرما در زمستان اثری نمی‌کند، اگر انسان هم در برابر سختی‌ها مقاومت کند، غم‌ها و مشکلات هرگز نمی‌تواند کوچک‌ترین گزند را به او برسانند.

#### ۴-۱-۵. سرخ

رنگ سرخ، نماد اصلی زندگی و حیات بشری است که با رنگ آتش و خون رابطه‌ای دو وجهی دارد. رنگ سرخ روشن، نشان درخشان بودن، قدرتمند بودن و رنگ سرخ تیره، نماد محدودیت، رمز حیات و زندگی است و این رنگ در مکان‌های گوناگون مانند رنگ پرچم، مکان‌های ممنوع حضور دارد. زیر سبزی زمین و سیاهی لجن، سرخ تیره قرار گرفته است، این سرخ به نهایت مقدس و رازآمیز، رمز هستی پنهان در قعر سیاهی‌ها و اقیانوس‌های اولیه است. این سرخ، رنگ روح است، رنگ دل است. سرخ، رنگ علم و رنگ معرفت عرفانی و ممنوع است بر غیر سالکان، این رنگ است که حکما زیر عبایشان مخفی می‌کنند. در خاور دور به‌طور کلی سرخ علامت گرما، شدت، علم و هوس است. در سراسر خاور دور، سرخ رنگ آتش و گاه رنگ خشک‌سالی است. همچنین رنگ خون، رنگ زندگی، رنگ زیبایی و ثروت است. سرخ رنگ وحدت است. در ژاپن رنگ سرخ را فقط بانوان می‌پوشند. سرخ نماد صمیمیت و خوشبختی است. بر طبق برخی مکاتب شینتویی، سرخ نشانه هماهنگی و گستردگی است. سربازان ژاپنی در آغاز سربازی کمر بند سرخ می‌بندند به نشانه وفاداری به وطن (شوالیه و گبران، ۱۳۸۸: ۵۶۷-۵۷۳).

#### رنگ «سرخ» در عرفان و تصوف

در عرفان و تصوف رنگ «سرخ» در نزد عرفا، دارای معانی ویژه‌ای است. به دلیل شباهت این رنگ با خون که مایه حیات انسان است، رمز شادی و زندگی است و به این دلیل آن را گاه رمز شهادت دانسته‌اند. همچنان که جامی در یوسف و زلیخا به آن اشاره دارد:

که سرخی در خور آمد خرمی را      شاید جز کبودی ماتی را  
(جامی، ۱۳۷۷: ۲۰۹)

**بهترین رنگ‌ها سرخی بود**      **وان ز خورشید است و از وی می‌رسد**  
(مولوی، ۲: ۱۲۹۹)

از دیدگاه عرفا سرخی محصول ترکیب نور سفید و سیاه است و در چشم‌انداز رمزناکانه صوفیانه، آن گاه که «ظلمت نفس کمتر شود و نور روح زیادتر گردد، نوری سرخ مشاهده شود» (رازی، ۱۳۸۳: ۳۰۶). رنگ «قرمز»، با بلندترین طول‌موج، نماینده آتش، نماد زندگی، قدرت، ایثار و عشق است. رنگ قرمز، فرمان‌دهنده است. به همین دلیل، در چراغ‌های راهنمایی برای نشان دادن حالت توقف، از این رنگ استفاده می‌شود. رنگ قرمز را نمادی از قدرت مردانه دانسته‌اند که حالات مردانگی (آیموس) را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مصر، این رنگ محافظ آتش، در ژاپن، نشانه خوشبختی و در دیدگاه سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها، نشانه آزادی بود (اکبرزاده، ۱۳۷۸: ۷۸۸۰). به علاوه، رنگ قرمز را نماد حیات و زندگی و عامل مؤثری در سازندگی و تشدید رویش گیاهان و بیان‌کننده هیجان و شورش دانسته‌اند (ایتن، ۱۳۹۶: ۲۴۱).

**نماد شور و هیجان برای انتقام‌گیری**

**بسندہ نیابند با من ہمی**      **بہ خون سرخ دارند دامن ہمی**  
(ایرانشاه، ۱۳۷۷: ۳۱۹)

این بیت سرخ نماد شور و هیجان برای انتقام‌گیری است و داستان درباره شاه سقلاب است که با سخنان تحریک‌آمیز سلم برای جانشینی و رسیدن به تاج و تخت رهسپار جنگ با کوش می‌شود و برای آن که کوش تخت پادشاهی را از او نگیرد، به جنگ با کوش می‌رود. در این بیت با استفاده از عبارت کنایی (دامن سرخ کردن) می‌توان به مفهوم نمادین رنگ سرخ پی‌برد که نمادی از شور و هیجان برای انتقام‌گیری و کشتار دشمن است.

**محرک انتقام گرفتن**

**کنون خواست، بادافره من کشید**      **ز خون چادر سرخ بر سر کشید**  
(همان، ۲۲۷)

در این بیت سرخ را می‌توان محرکی برای گرفتن انتقام از دشمن در نظر گرفت. چادر سرخ بر سر کشیدن در این بیت کنایه از خود را آماده رزم کردن است و از آنجا که سرخ نمادی از شور و هیجان و محرک اراده برای پیروزی است، پس می‌توان گفت که شاعر برای انتقام جستن از دشمن پر از شور و هیجان می‌شود و عزم خود را جزم می‌کند تا با اراده پولادین به نبرد دشمن رفته، او را به کیفر اعمالش برساند.

**معنای عادی**

**زده گونه گونه چنان سرخ گل**      **چو بر دست معشوق پیغام مل**  
(همان، ۱۱۰)

در این بیت گل سرخ در معنای واقعی خود به کار رفته است و بیت به توصیف خیمه‌گاه ضحاک در مسیر حرکت به سمت کاوه را نشان می‌دهد و با استفاده از آرایه تشبیه زیبایی گل سرخ را دو چندان کرده و گل سرخ را به جام شراب در دست معشوق تشبیه کرده است.

## خون

به فندق گل سرخ کرده فگار      ز شنگرف بر عاج کرده نگار  
(ایرانشاه، ۱۳۷۲: ۴۹)

سرخ در این بیت به معنای سرخی خون به کار گرفته شده است و بیانگر آن است که عاشق سرانگشتان خود را زخمی کرده، با خون سرخ آن، چهره یار خود را به تصویر کشیده است.

## آمادگی برای رزم و پیکار

دانست گان کس که گردن کشید      همی چادر سرخ در تن کشید  
(همان: ۸)

سرخ در این بیت نماد آمادگی برای رزم و همچنین نشانه شور و هیجان برای انتقام‌گیری است. عبارت چادر سرخ بر تن کشیدن کنایه است از نهایت خشم و غضب و همچنین شور و هیجان برای انتقام گرفتن از دشمن است.

## آگاهی‌بخشی

که روی هوا سرخ و زرد و بنفش      ز تابدن رنگ‌های درفش  
(همان: ۵۱)

سرخ در این بیت نماد آگاهی‌بخشی و حتی هشداردهنده است. از آنجاکه رنگ‌های پرچم هر کشور نمادی از هویت آن کشور است در این بیت نیز، سپاه آبتین با دیدن پرچم دشمنان احساس خطر کرده، به سمت مقر فرماندهی خود بازگشته‌اند؛ بنابراین سرخ را می‌توان نمادی از خطر و هشدار سرخ در نظر گرفت.

## علم و معرفت

خزان بگذراند به بوی بهار      گل سرخ جوید نترسد ز خار  
(همان: ۱۵۹)

سرخ در این بیت نماد علم و معرفت روحانی است. در این بیت با استفاده از مفهوم استعاری کلمات می‌توان به معنی نمادین گل سرخ پی‌برد. خزان در این بیت استعاره از رنج و سختی است و بهار استعاره از امید است. همچنین خار نیز استعاره از جهل و نادانی دارد؛ در واقع بیت القاکننده این نکته است که انسانی که راضی به رضای خداوند باشد. تمام مشکلات و سختی‌ها را به بوی بهار پشت سر می‌نهد و برای رسیدن به علم و معرفت عرفانی از جهل و تاریکی درونش نمی‌هراسد.

## رویش گیاهان

شود هرچه پیرامش سرخ و زرد      کند سرش بر گنبد لاجورد  
(همان: ۴)

در این بیت سرخ نمادی از رویش و رشد گیاهان است. شاعر در این بیت و بیت‌های گذشته به این نکته می‌پردازد که اگر گیتی با انسان نیک‌بخت همراه شود، او را بسان درختان نوبهار با شکوفه‌ها و رنگ و بوی خاصی می‌بخشد و با استفاده از عبارت کنایی (کند سرش به گنبد لاجورد) می‌توان به نکته نهفته در دل این بیت پی‌برد. منظور شاعر در این بیت آن است که زمانی که همه آهسته در حال رشد و رویش هستند، گیتی انسان نیک‌بخت را به بالاترین مقام‌ها می‌رساند.

#### ۴-۱-۶. آبی

آبی یکی از ژرف‌ترین رنگ‌هاست. آبی، غیرمادی‌ترین رنگ‌هاست. طبیعت، آبی را مگر برای نشان‌دادن شفافیت عرضه نمی‌کند. آبی در طبیعت همچون خلأیی انباشته است، خلأ هوا، خلأ آب، خلأ بلور یا الماس. آبی سردترین رنگ‌هاست و در ارزش مطلق خود پس از خلأ کلی سفید مات، خالص‌ترین رنگ‌هاست. وقتی رنگ آبی برای شیئی به کار می‌رود، شکل آن را سبک می‌کند، آن را باز و از آن گره‌گشایی می‌کند. سطحی که آبی بشود، دیگر سطح نیست، یک دیوار آبی، دیگر دیوار نیست. آبی روشن، خیال‌واهی است و وقتی تیره شود که مطابق با گرایش طبیعی آن است، رنگ رؤیا می‌شود.

حرکت آبی، برای نقاشی چون کاندینسکی، حرکت دور شدن از انسان است، حرکتی که انسان را به طرف مرکز خود می‌کشاند و در عین حال، او را به طرف بی‌نهایت سوق می‌دهد و در او میل به خلوص و عطش به مافوق طبیعت را بیدار می‌کند. از این جاست که اهمیت مفهوم آبی را در ماوراءالطبیعه و حدود کاربرد پزشکی آن را درک می‌کنیم. یک محیط آبی، آرام و تسکین‌بخش است برخلاف سبز تقویت‌کننده نیست. ژرفای آبی، وقار و جلالی ماورای زمینی دارد (شوالیه و گربران، ۱۳۸۸: ۴۲-۴۹).

#### مفهوم نمادین رنگ «آبی»

رنگ «آبی» نماد ایثار، صلح و آرامش است و بیشتر مورد علاقه اشخاص بالغ و متعادل و متواضع است. آبی، رنگ معنویت و ایمان، امید و پیروزی است. چینی‌ها، آبی را نماد فناپذیری، انگلیسی‌ها، رنگ بدخلقی و افسردگی، یونانیان آن را نمادی از ظلمت می‌دانند، در استرالیا، صمیمیت و وفاداری، در برزیل، آسایش و خونسردی، در فرانسه و ایتالیا، تداعی‌کننده ترس و در پرتغال، حسادت و در سوئیس، نماد خشم و طغیان است (شمیسا، ۱۳۷۶: ۱۰۳).

رنگ آبی معمولاً بسیار مثبت ارزیابی می‌شود و در حقیقت، احساس مذهبی، امنیت و خلوص معنوی را تداعی می‌کند. در مصر باستان، آبی، نشانه حکمت و در چارچوب نسب، نماد دادگری، فروتنی، وفاداری، پاکدامنی، شادی، درستی، آوازه نیک، عشق و خوشبختی جاودان است. «ایرانیان نیز به رنگ آبی فیروزه‌ای، آبی آسمانی یا آبی لاجوردی که بر گنبد مساجد و اماکن متبر که نقش بسته است، بسیار دل‌بسته‌اند» (شاهین، ۱۳۸۳: ۱۰۶).

آبی مظهر پاکی و زلالی و صفاست. در بیت ذیل شاعر برای اشاره به کردار پاک و بی‌آلایش انسان دانا از نماد آبی کمک گرفته است. انسان‌های پاک کردار به دور از هر ریا و تظاهری هستند و رنگ آبی بهترین نماد برای نشان‌دادن باطن صاف و بی‌غل و غش آن‌ها است.

که کردار دانای روشن‌روان      چو در باغ آبی است روشن، روان  
(ایرانشاه، ۱۳۷۷: ۱۶۰)

#### ۴-۱-۷. لاجورد

سراینده کوش‌نامه در منظومه ده هزار بیتی خود نامی از فردوسی و شاهنامه نیاورده است؛ اما مانند دیگر حماسه‌سرایان ایران، تحت تأثیر جادوی کلام آن شاعر یگانه قرار داشته است. ایرانشاه ابن‌ابی‌الخیر به صورت‌های گوناگون و به‌طور غیرمستقیم از شاهنامه الهام گرفته است.

## آسمان

نیروهای متفاوتی (غیبی) در حماسه نقش دارند. قهرمان با خدایان مربوط است و با او سخن می‌گوید. مکالمه قهرمان (و به‌طور کلی انسان) با خدایان در دوران عقل‌گرایی و سپری شدن عصر اساطیر، به‌صورت سخن گفتن با سپهر و چرخ در آمده است. در متون قدیم سوگند خوردن به خورشید و روز و شب و امثال این‌ها که در دوران اساطیری هر یک ایزدی بوده‌اند، به کرات دیده می‌شود.

جهان‌دیده به مرد سوگند خورد  
به خورشید و بر گنبد لاجورد  
(همان: ۲۳۸)

## توصیف خورشید

شاعر بارها طلوع خورشید را در یک بیت یا یک مصرع وصف کرده که همگی زیبا هستند و طلوع کردن خورشید در هوای آسمانی صاف و پاک را توصیف می‌نماید.

چو بزدود هور از هوا لاجورد  
پراگند بر دشت یاقوت زرد  
(همان: ۲۱۵)

## آیین

در آیین‌های گذشته اشیا زینتی و گران‌بها به همراه مردگان دفن می‌کردند و در این بیت به سنگ لاجورد و لباس‌های گران‌بها اشاره شده است.

شود هرچه پیرامنش سرخ و زرد  
کند سرش بر گنبد لاجورد  
(همان: ۴)

## ۴-۱-۸. ارغوانی

ز شادی رخان ارغوان رنگ کرد  
به بگماز و جام می آهنگ کرد  
(همان: ۳۲۸)

در این بیت برای نشان دادن شدت مسرت و شادی از این رنگ بهره برده است که نوشیدن و می و بگماز نیز نشان از مجالس شادی و بزم‌گونه دارد.

## ۴-۱-۹. بنفش

بنفش رنگ مناعت و نسبت برابری است از سرخ و آبی، از ژرف‌نگری و تأمل، از تعادل میان آسمان و زمین، از احساس و ادراک، از اشتیاق و هوش، از عشق و عقل است. در جامعه غرب نیز رنگ بنفش، نماد عزا یا نیمه‌عزا است. بنفش در ضمن، رنگ آرامش است و حدت سرخ، در بنفش ملایم می‌شود. لباس بنفش مطران‌ها نیز با این مفهوم قابل درک است. برخلاف عرفا، مطران‌ها باید مراقب پیروان و مقلدان خود باشند و شدت اشتیاق آن‌ها را تعدیل کنند و رنگ بنفش لباس آن‌ها، بدین خاطر است. این رنگ در این مورد نیز علامت اعتدال است. خاور دور، با ظرافتی خاص، این گذر از سرخ به بنفش را در بینشی کاملاً مغایر و نفسانی تفسیر می‌کند که به معنای عبور از فعال به منفعل است (شوالیه و گبران، ۱۳۸۸: ۱۱۶-۱۱۹).



انرژی، ظرافت، لطافت، زیبایی، وقار، سلیقه، معنویات، کشش، هیجان، بی‌علاقگی و عدم تمایل، ناخشنودی، چشم‌پوشی و مالیخولیا همگی احساساتی هستند که با دیدن رنگ بنفش در ذهن انسان‌های مختلف، تداعی می‌شود. بنفش، رنگی شاهانه و سلطنتی است. رنگ بنفش برای بسیاری از انسان‌ها، حالتی اسرارآمیز دارد. رنگ بنفش، رنگ عرفان، تصوف و اجتماعات دینی است. این رنگ در برخی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها به معنی تغییر و تبدیل، عروج روح به جهان دیگر و یا رفتن به یک موقعیت روحی جدید است. رنگ بنفش سمبل تقدس، آخرت و معنویات است و انسان را به سمت وسوی مرزهای روح و ادراکات فراحسی هدایت می‌کند. کشیش‌ها، روحانیان و سایر انسان‌های مذهبی که برای آنان تفکر در عبادات، بزرگداشت و تجلیل مقام پروردگار کاری دائمی است، رنگ بنفش را بر سایر رنگ‌ها ترجیح می‌دهند. از آن جا که عیسی مسیح (ع) به‌عنوان واسطه، میان آسمان (آبی متعالی و ماورای عالم ادراک و زمین (قرمز حیاتی، پرتحرک و با انرژی) دانسته می‌شود، تعداد بی‌شماری از نقاشان، ایشان را ملبس در جامه‌ای بلند به رنگ بنفش تصویر می‌کنند (همان).

کاندینسکی، بنفش را رنگی بیمارکننده، بسیار غمگین، خاموش و فرونشین کننده می‌دانست و همواره از آن به‌عنوان دلگیرترین و نامطمئن‌ترین رنگ یاد می‌کرد. او هیچ رنگ دیگری را این چنین حدفاصل میان زندگی و مرگ نمی‌دانست. بنفش، تداعی کننده عمر از دست رفته انسان است.

نکته جالب توجه دیگر که کمتر آشکار است، قرابت زبانی و نزدیکی واژه بنفش با واژه violet به معنای زور، جبر و قدرت است. واژه violet به معنای هتک حرمت، بی‌احترامی و تجاوز، قرابت زبانی زیادی با واژه Violet به معنی بنفش دارد (مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی).

رنگ بنفش در کوش‌نامه برای تصویر صحنه‌های جنگ به‌ویژه رنگ درفش‌های میدان جنگ به کار برده می‌شود و یکی از رنگ‌های اصلی درفش کاویان است. تیغ‌ها و شمشیرهای سپاهیان در میدان کارزار، گاهی به رنگ بنفش درمی‌آید که نشان‌دهنده خونین بودن آن‌هاست.

#### بغرید کوس و برآمد درفش جهان شد ز گرد سواران بنفش (همان: ۲۳۴)

از آنجا که رنگ بنفش همواره رنگی سلطنتی و شاهانه است بیشتر حکام از این رنگ برای نشان و پرچم خود بهره می‌گرفته‌اند و در کوش‌نامه نیز برای نشان‌دادن زیبایی و فاخر بودن پرچم کاویانی از این رنگ به شیوه‌ای ظریف بهره گرفته شده است.

#### همه باره شد سرخ و زرد و بنفش ز بس گونه‌گون پرنیانی درفش (همان: ۲۴۴)

#### ۴-۱-۱۰. رنگ «کبود» (ازرق)

این رنگ در عالم عرفان، بیشتر در سمبولیسم رنگ خرقه کاربرد دارد و از نخستین رنگ‌هایی است که خرقه صوفیان بدان متصف بوده است. برخی در مفهوم نمادین این رنگ برای خرقه‌های صوفیه این گونه استدلال کرده‌اند که: «و لون ازرق اختیار متصوفه است؛ با آن که لون سیاه در قبول اوساخ از ازرق تمام‌تر و ممکن است که سبب آن بود. واضح این رسم را، یا دیگری را از جمله مقتدایان طریقت به اتفاق لون ازرق دست داده باشد و دیگران بر سیل ارادت و تبرک به او تشبه نموده و خلف از سلف تلقی کرده و رسمی گشته» (باخرزی، ۱۳۴۵: ۶۶).

هجویری نیز سمبولیسم چنین رنگی را دو چیز دانسته است: یکی ماندگاری و دیر چرک‌تابی این رنگ برای صوفیانی که بیشتر اهل سفرند؛ چرا که اغلب، فرصت شست‌وشو نداشته‌اند و با فرض دستیابی به چنین زمانی، فرصت شستن و خشک کردن آن را نداشته‌اند و اغلب با پوشیدن خرقة خیس می‌کوشیدند آن راه در همان حالت پوشیده خشک کنند (هجویری، ۱۳۸۴: ۷۲). باخرزی در اورادالباب به این مسئله این‌گونه اشاره کرده است: «یا چنین گوئیم که سالکانی که از بدایت و قابلیت، قدم پیشتر نهاده‌اند؛ ولکن به کمال فقر اتم واصل نگشته‌اند، ایشان نیز اگر کبود پوشند، شاید؛ چه ازرق، رنگی است که از سادگی سفیدی که قابل است هر جمیع الوان را، بیرون آمده است و به کمال رنگ سیاهی که از وی بلندتر رنگین نیست و جمیع الوان در وی مستغرق و مستهلک‌اند، نرسیده» (باخرزی، ۱۳۴۵: ۴۰). وی این رنگ را بهترین جامه درویشان دانسته است: «جامه ازرق کسی را مسلم است که مراد خود را ترک کند و از نفس خود، روی بگرداند و اشغال دنیا را از پیش خود بردارد و فی‌الجمله بهترین الوان جامه درویش ازرق است و این لون مناسب‌تر است» (همان: ۳۱). آن را نشانه «قوت نفس و مبادی صفای او» دانسته است (همان: ۴۲).

پس از شنیدن پیام قارن به چنینان همه آنان برای جنگ با کوش آماده شده‌اند؛ زیرا از بیدادهای کوش ناتوان شده بودند و جامه‌های خود را به تن کرده بودند تا در برابر نافرمانی‌های او بایستند.

همه جامه کرده کبود و سیاه      دژم گشت از آن کار، فرخنده شاه  
(ایرانشاه، ۱۳۷۷: ۲۴۵)

## ۵. نتیجه

نماد و سمبل به‌عنوان یکی از صور خیال و آرایه‌های شعری، علاوه بر زیبایی کلام، به درک و فهم بهتر اشعار این شاعران کمک می‌کند. رنگ یکی از نمادهای به کار گرفته در هر دوره نمایانگر اوضاع و واقعیت‌های اجتماعی و روزگار سیاسی آن زمان است. در بررسی‌های به عمل آمده به این نتیجه می‌رسیم که عنصر رنگ در منظومه کوش‌نامه فقط به‌عنوان عنصری تزئینی به کار برده نشده است، بلکه به‌عنوان نمادهایی اساسی برای بیان عقاید و اصول کارزار به کار گرفته شده‌اند. پربسامدترین رنگ‌ها به ترتیب سیاه، زرد، سفید، سبز، سرخ، بنفش، آبی، لاجوردی، ارغوانی، کبود است. رنگ سیاه و زرد از پربسامدترین رنگ‌ها در این منظومه هستند که هر کدام به‌عنوان عنصری تأثیرگذار ذهن مخاطب را به برداشت و تفسیر صحیح از اشعار رهنمود می‌کنند. رنگ سیاه در این منظومه ضخامت و سنگینی میدان نبرد و سیه‌روزی مردم از آثار این جنگ و عزا و ماتم جنگجویان را به‌خوبی به نمایش گذاشته است و از سوی دیگر برای نشان دادن قدرت و عظمت سپاهیان و شناسایی جاسوسان و خیانت سپاهیان و توصیف صحنه‌های و مناظر جنگ چون (غروب و طلوع خورشید) از رنگ زرد بهره گرفته شده است. رنگ سفید با نماد روشنایی و پاکی و قداست، تقابل سیاه و سپید و رنگ سبز با نماد سلامتی، تندرستی، امید، مقاومت است.

رنگ سرخ با نماد شور و هیجان برای انتقام‌گیری، محرک انتقام‌گیری، معنای عادی، خون، آمادگی برای رزم و پیکار، آگاهی‌بخشی، علم و معرفت، رویش گیاهان و رنگ بنفش نماد پرچم و درفش در صحنه‌های جنگ و رنگ آبی نماد پاکی و زلالی و رنگ لاجورد نماد آسمان، توصیف خورشید، آیین و رنگ کبود نماد آمادگی برای جنگ و رنگ ارغوانی نماد مسرت و شادمانی است.

## فهرست منابع

۱. افشار مهاجر، کامران. (۱۳۹۰). **گرافیک تبلیغات چاپی در رسانه‌ها**، تهران: سمت.
۲. ابن‌ابی‌الخیر، ایرانشاه. (۱۳۷۷). **کوش‌نامه**، جلال متینی، تهران: انتشارات علمی چهارم، تهران: سمت.
۳. اسماعیل‌پور، ابوالقاسم. (۱۳۷۷). **اسطوره و بیان نمادین**، تهران: سروش.
۴. ایتن، یوهانس. (۱۳۹۶). **هنر رنگ**، محمد حسین حلیمی، چ هفدهم، تهران: انتشارات سازمان اوقاف و امور خیریه.
۵. باخزری، ابوالمفاخر یحیی. (۱۳۴۵). **اورادالاحباب و فصوص‌الآداب**، ایرج افشار، تهران: انتشارات دانشگاه.
۶. بلخاری قهی، حسن. (۱۳۹۴). **قدر (نظریه هنر و زیبایی در تمدن اسلامی)**، تهران: سوره مهر.
۷. بلخی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۹۷). **مثنوی معنوی**، تهران: انتشارات گسترش فرهنگ و مطالعات.
۸. بیرانوند، نسرن؛ آریان، حسین؛ کاظم خانلو، ناصر. (۱۳۹۵). **نماد رنگ و حس آمیزی آن در تصویرسازی‌های اخوان ثالث، تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)**، دوره ۸، ش ۲۷، صص ۹۱-۱۲۱.
۹. بیهقی، ابوالفضل. (۱۳۷۶). **تاریخ بیهقی**، به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ ششم، تهران: مهتاب.
۱۰. پاک‌نژاد، سیدرضا. (۱۳۶۱). **اولین دانشگاه و آخرین پیامبر**، چاپ چهارم، تهران: انتشارات کتاب‌فروشی اسلامی.
۱۱. توحیدی، قائق. (۱۳۸۷). **فن و هنر سفالگری**، تهران: سمت.
۱۲. توکلی، حمید. (۱۳۷۸). **رنگ در تصویر سینمایی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد هنر.
۱۳. پورعلیخان، هانیه. (۱۳۸۰). **دنیای اسرار آمیز رنگ‌ها**، تهران: هزاران.
۱۴. حسنی، کاووس؛ احمدیان، لیلا. (۱۳۸۷). **بازنمود رنگ‌های سرخ، زرد، سبز و بنفش در شاهنامه فردوسی، نثر پژوهی ادب فارسی**، دوره ۱، ش ۲۳، پیاپی ۲۰، صص ۵۹-۸۸.
۱۵. جامی، نجیب. (۱۳۷۷). **هفت‌اورنگ**، تهران: طرح نو.
۱۶. رازی، ابوالفتوح. (۱۳۸۳). **مرصادالعباد**، محمدامین ریاحی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۷. روحانی، مسعود؛ عنایتی‌قادی‌کلایی، محمد. (۱۳۹۰). نگاه تحلیلی به کارکرد رنگ در شعر م. سرشک، نشر پژوهی ادب فارسی، دوره ۱، ش ۲۹ (پیاپی ۲۶)، صص ۱۵۷-۱۸۶.
۱۸. شاهین، شهناز. (۱۳۸۳). بررسی نماد رنگ در تیترو ادبیات و در آیین ملت‌ها، هنرهای زیبا، دوره اول، شماره ۱۸، صص ۹۹-۱۰۸.
۱۹. شفیع‌کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۸). صورخیال در شعر فارسی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات آگاه.
۲۰. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۶). انواع ادبی، تهران: فردوس.
۲۱. شوالیه، ژان؛ گبران، آلن. (۱۳۸۸). فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، چاپ دوم، تهران: انتشارات جیحون.
۲۲. علی‌اکبرزاده، مهدی. (۱۳۷۳). رنگ و تربیت، تهران: میشا.
۲۳. قاسم‌زاده، علی؛ نیکویخت، ناصر. (۱۳۸۲). روان‌شناسی رنگ در اشعار سپهری، مجله پژوهش ادبی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۴۵-۱۵۶.
۲۴. کارکیا، فرزانه. (۱۳۷۵). رنگ، بهره‌وری و نوآوری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۵. لوشر، ماکس؛ ابی‌زاده، ویدا. (۱۳۶۹). روان‌شناسی رنگ‌ها، تهران: شرکت نشر و پخش ویس.
۲۶. محمد حمدان؛ احمد عبدالله. (۲۰۰۸). دلالات الالوان فی شعر نزار قبانی، رساله ماجستير، فلسطین: جامعه النجاح فی نابلس.
۲۷. ممتحن، مهدی؛ حاجی‌زاده، مهین. (۱۳۸۹). بررسی سیر تحول شعر نو در زبان عربی و فارسی، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، دوره پانزدهم، شماره ۶۰، صص ۱۸۰-۱۵۳.
۲۸. موسوی، سید کاظم؛ صفری، جهانگیر؛ حسینی، سید مجتبی. (۱۳۸۹). تحلیل روان‌شناختی رنگ سرخ و سیاه در اشعار صائب، پژوهش‌های ادب عرفانی، دوره ۴، ش ۴، پیاپی ۱۶، صص ۵۷-۹۲.
۲۹. نیکویخت، ناصر؛ قاسم‌زاده، سید علی. (۱۳۸۴). زمینه‌های نمادین رنگ در شعر معاصر با تکیه بر تأکید اشعار نیما، سپهری و موسوی‌گرمارودی، نشریه ادبیات تطبیقی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر، دوره جدید، شماره ۱۸.
۳۰. هجویری، محمود. (۱۳۸۴). کشف‌المحجوب، تهران: سروش.

۳۱. یانس، ندا؛ پشایی فخری، کامران. (۱۳۹۹). روان‌شناسی نماد رنگ در دیوان حافظ، فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲۴، صص ۱۵۳-۱۴۱.

۳۲. سیفی، طیبه؛ مرادی، کبری. (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی بسامد کاربرد رنگ در اشعار نیما یوشیج و بدر شاکر السیاب، مجله ادب عربی، دوره ۴، شماره ۲۷، صص ۳۰۵-۲۷۳.